

پیش‌بینی هوش معنوی کودک بر اساس شعر مبتنی بر آموزه‌های قرآنی

رامین محرمی*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

خدابخش اسداللهی**

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

شکرالله پورالخاص***

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

پیام فروغی‌راد****

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰)

چکیده

هوش معنوی، کاربرد معنویت برای پاسخگویی به نیازهای ذهنی و پرسش‌های بنیادین هستی‌شناسانه است که بر پایه عقاید دینی به کار گرفته می‌شود و نقش اساسی در تأمین سلامت روانی و هدفمند کردن زندگی دارد. اگرچه در پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه هوش معنوی به گروه سنی بزرگسالان توجه فراوانی شده‌است، می‌توان این نوع از هوش را با توجه به آموزه‌های قرآنی در کودکان نهادینه کرد. یکی از روش‌های این امر، بهره‌گیری از شعر است. در پژوهش حاضر که به شیوه تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته‌است، به بررسی هوش معنوی کودکان بر اساس شعر و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی پرداخته می‌شود. به همین منظور، مؤلفه‌های هوش معنوی در شعر کودک واکاوی، و با استناد به آیه‌های قرآنی، کارکرد آن بررسی شده‌است. کاربرد هوش معنوی در شعر کودک باعث می‌شود که فضایل اخلاقی در کودکان پرورش یابد و او پاسخی متناسب با درک خود، نسبت به خدا و هستی بیابد و با اعتقاد به خدای آفریننده، در برابر سختی‌ها بردبار باشد. مؤلفه‌های هوش معنوی در شعر کودک، منطبق با آموزه‌های قرآنی و با کارکرد تعلیمی است. از این رو، رهاورد وحی الهی برای پرورش روح کودک و تعالی بخشیدن به او برای شکوفایی، قابلیت و توانایی‌ها در درک امور فرامادی است.

واژگان کلیدی: خدا، آموزه‌های قرآنی، هوش معنوی، شعر کودک.

* E-mail: moharami@uma.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: kh_asadollahi@uma.ac.ir

*** E-mail: pouralkhas@uma.ac.ir

**** E-mail: p.adabiat@gmail.com

مقدمه

رهایی از پراکندگی فکری، رسیدن به آرامش درونی و کشف پاسخ پرسش‌های هستی‌شناسانه، در پرتو توجه به آموزه‌های قرآنی و معنویت امکان‌پذیر است. به تبع آن، زندگی انسان شکل هدفمند به خود می‌گیرد و تعامل انسان و طبیعت، معنادار می‌شود. این توجه، به منزله یکی از نیازها و کشش‌های درونی و همیشگی انسان، و پیشرفت‌های علم روانشناسی جدید و ماهیت پویا و پیچیده دهکده جهانی سبب گرایش انسان‌ها به بُعد معنوی زندگی در برابر بُعد مادی شده است (ر.ک؛ هدایتی و زری‌باف، ۱۳۹۱: ۱۳۶). گرایشی که دانشمندان علم روانشناسی، علوم زیستی و صاحب‌نظران حوزه دین را به بحث و تحقیق‌های متعدد واداشته است. برآیند تحقیقات، کشف «منطقه خدا» در بخش لپ‌های گیجگاهی بود که دقیقاً پشت ناحیه گیجگاهی قرار دارد. در این منطقه، با تحریک مصنوعی آن، مفاهیم معنوی از قبیل دیدار با خدا، گفتگوی دینی، از خودگذشتگی، فداکاری، انسان‌دوستی و مانند این‌ها پدیدار می‌شود (ر.ک؛ فرامرزی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸). بر اساس این تحقیقات، رابرت ایمونز (R. A. Emmons) در سال ۱۹۹۶ میلادی، نخستین بار به بُعد معنوی هوش انسان (S.Q) اشاره کرد و در تعریف آن گفت:

«هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و مفهومی است. هوش معنوی سازه‌های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب نموده است، در حالی که معنویت، جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایی، هشیاری بالا و تعالی است. هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعات است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی کند و منجر به تولید و نتایج ارزشمندی گردد» (زارع و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰).

ایمونز معتقد بود که معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود؛ زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازند و به اهداف متعالی خود دسترسی داشته باشند (ر.ک؛ خزایی، ۱۳۸۹: ۳۳). لذا هوش معنوی را می‌توان شامل پنج مؤلفه دانست: ۱- ظرفیت برای

۲- توانایی برای تجربه حالت‌های هشیاری عمیق. ۳- توانایی برای خدایی کردن و تقدس بخشیدن به امور روزانه. ۴- توانایی برای سود بردن از منابع معنوی برای حل مسائل. ۵- ظرفیت پرهیزگاری (ر.ک؛ رجایی، ۱۳۸۶: ۹).

اگرچه بر پایه نظریه هلمینیاک (Helminiak)، هوش معنوی در دوره نوجوانی شکل می‌گیرد، اما می‌توان با آموزش اندیشه‌های قرآنی از طریق شعر و داستان به کودکان، شکوفایی این هوش را سرعت بخشید، همان‌گونه که رابرت کولز بر اساس مصاحبه با کودکان خردسال از کشورهای مختلف و گرایش‌های مذهبی آن‌ها نشان داد که هوش معنوی در دوران کودکی شکل می‌گیرد و ناشی از تمایل کودکان به دانستن است (ر.ک؛ هدایتی و زری‌باف، ۱۳۹۱: ۱۴۳). همچنین، های (Hay) و نای (Nye) کودکانی با دامنه سنی شش تا ده سال را شناسایی کردند که می‌توانستند فنون خود را برای ورود به وضعیت‌های بهتر هشیاری، از جمله نگاه ثابت خاموش، نیایش و تأمل درباره منشاء انسان و جهان را توصیف کنند (ر.ک؛ سهرابی و ناصری، ۱۳۹۱: ۲۶۰).

اگرچه هوش معنوی در دهه‌های اخیر به عنوان یافته علمی غرب مطرح شده است، اما می‌توان گفت که همه ظرفیت‌های این هوش در آموزه‌های اسلامی مطرح گردیده است و «اگر به آثار اسلامی نیک نگریسته شود، به وضوح مباحث مربوط به هوش معنوی بسیار عمیق‌تر از آثاری که در غرب به آن پرداخته می‌شود، نمایان خواهد شد» (زارعی و حاجی‌لو، ۱۳۹۴: ۹۶). به ویژه قرآن کریم منبعی مهم برای پاسخ به سؤالات فلسفی و دینی درباره زندگی است که از طریق آن، می‌توان به جریان بعضاً دشوار زندگی، معنا و مفهومی عمیق بخشید. لذا این هوش مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، درمان بسیاری از دردها و مشکلات جامعه امروز است. همچنین، می‌توان از این هوش برای چارچوب‌دهی و تفسیر مجدد تجارب خود بهره گرفت و این فرایند قادر است از لحاظ پدیدارشناختی به رویدادها و تجارب فرد، معنا و ارزش شخصی بیشتری بدهد (ر.ک؛ غباری بناب و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۳). استفاده از یافته‌های دانشمندان علم روان‌شناسی در حوزه هوش معنوی که مؤلفه‌های آن چندین قرن پیش‌تر در قرآن کریم و منابع اسلامی آمده است، می‌تواند نقش به‌سزایی در پرورش اسلامی افراد داشته باشد. بنابراین، شعر از مهم‌ترین

ابزارهای تقویت هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی در کودک است که علاوه بر پاسخ‌دهی به پرسش‌های معنوی کودک، با روشی غیرمستقیم مفاهیم معنوی را به او آموزش می‌دهد. به همین سبب، در تغییر رفتار کودک تأثیر عمیقی دارد. بر این اساس، توجه به معنویت و اندیشه‌های قرآنی در اشعار کودکان گروهای سنی مختلف قابل پیگیری است؛ چراکه هر قدر گروه سنی مخاطب پایین‌تر باشد، اندیشه‌های مربوط به معنویت و مذهب در شکلی ساده‌تر به کار گرفته می‌شوند و در سال‌های بالاتر، این اعتقادات در چهارچوب‌های پیچیده‌تر و گسترده‌تری ارائه می‌شوند و محور عمودی و معنایی شعر را تقویت می‌کنند (ر.ک؛ سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۰۸). اگر مضامین تربیتی و معنوی شعر کودک، سنجیده انتخاب شود، پرورنده روح او و گسترنده ذهن اوست و نگه‌دارنده او در مسیر سلامت که طبیعت او را ارزانی داشته‌است» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۱۰۳). بنابراین، شاعران در اشعار کودکان، برای پرورش روح کودک و بهداشت روانی او از قرآن کریم استفاده می‌کنند.

۱- پیشینه پژوهش

اگرچه در دو دهه اخیر بحث هوش معنوی به صورت علمی واکاوی شده، باعث گسترش پیوند دین و روانشناسی گردیده‌است، ولی در ارتباط با کارکرد قرآنی هوش معنوی در متون ادبی، تاکنون پژوهشی انجام نشده‌است. با وجود این، در ارتباط هوش معنوی با کودکان، مقاله‌ای از سوی مهنوش هدایتی و مژگان زری‌باف با عنوان «پرورش هوش معنوی از طریق برنامه فلسفه برای کودکان» (۱۳۸۱) نوشته شده‌است و در این پژوهش، ضمن توصیف و تعریف هوش معنوی، به اهمیت پرورش این جنبه از هوش در دوران کودکی پرداخته‌اند و امکان دستیابی به این هدف را از طریق اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان بررسی کرده‌اند.

۲- روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه بر اساس روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته‌است و برای دستیابی به هدف تحقیق، اطلاعات مورد نیاز پس از مراجعه به محتوای منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق که در قالب کتاب و مقالات علمی انتشار یافته بودند، با روش سندکاوی فیش‌برداری شده‌است و آنگاه مؤلفه‌های هوش معنوی در شعر کودک استخراج، و بر اساس آموزه‌های قرآنی شده‌است.

۳- مؤلفه‌های هوش معنوی

کنجکاوی کودک و پرسش‌های هستی‌شناسانه کودک آنان از سویی، و لزوم تربیت دینی از سوی دیگر، محتوای شعر کودک را تحت تأثیر قرار داده‌است. شاعران این حوزه با آگاهی از جهان‌بینی کودکان در تلاش هستند از طریق شعر، فضایل اخلاقی را در مخاطبان پرورش دهند و نگاه آنان را نسبت به محیط پیرامونی معنادار سازند. علاوه بر این، مباحث دینی را با استفاده از امور ملموس در درون کودکان نهادینه سازند. به همین منظور، اشعار این شاعران جلوه‌گاه مؤلفه‌های هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است که به مهم‌ترین مؤلفه‌های این نوع از هوش در شعر کودک در ادامه اشاره خواهد شد.

۳-۱) پاسخ به پرسش‌های بنیادین

یکی از دغدغه‌های ذهنی بشر، پاسخ به پرسش‌های هستی‌شناسانه است. از این رو، بشر همواره تلاش می‌کند با دریافت پاسخی قانع‌کننده به زندگی خود معنی بخشد. در آموزه‌های قرآنی، تأکید فراوانی بر اهمیت شناخت خدا و هستی شده‌است تا با پاسخ به نادانسته‌های معنوی، امنیت روانی بشر فراهم شود: ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ: همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند):

بارخدا یا! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش نگاه دار ﴿آل عمران/۱۹۱﴾. همچنین، در شناخت خداوند آمده است: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾: خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و برپادارنده است؛ نه خوابی سبک او را فرومی‌گیرد و نه خوابی گران آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است، می‌داند؛ و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداری آن‌ها بر او دشوار نیست؛ و او والای بزرگ است ﴿البقره/۲۵۵﴾. علاوه بر این، در آیه‌های فراوانی بر پرسش درباره ابهامات تأکید شده است: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾: اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی پرسید ﴿الأنبياء/۷﴾. دلالت همه این آیات و روایات بر این است که در نگاه اسلام، پرسیدن، تحقیق و تفحص برای حل مجهولات، امری مقدس و مطلوب است. علاوه بر این، یکی از شیوه‌های مهم پرورش عقل و فکر، بیدار کردن حس پرسشگری است (ر.ک؛ یدالله پور و فاضلی کبریا، ۱۳۹۳: ۵۳).

شاعران شعر کودک با استفاده از آموزه‌های قرآنی در تلاش هستند که خدا و حقیقت هستی را برای کودکان به تصویر بکشند. از آنجا که کودکان در سنین پایین‌تر، قادر به درک مفاهیم انتزاعی نیستند و اغلب با طبیعت سازگاری بیشتری دارند، شاعران برای شناساندن خدا، از مفاهیم طبیعت‌گرایانه بهره می‌جویند. رحمان‌دوست با تأثیرپذیری از آیه شریفه ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَتَىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾: پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است. چگونه او را فرزندی باشد، در صورتی که برای او همسری نبوده است و هر چیزی را آفریده؛ و اوست که به هر چیزی داناست ﴿الأنعام/۱۰۱﴾، برای شناساندن خداوند به کودک، به آفریده‌های او

اشاره کرده‌است تا ذهن کودک را از طریق موجودات محسوس به سوی آفریدگاری انتزاعی و بی‌همتا سوق دهد:

ای خدا! ای خدای پاک و بزرگ
 ای خدا! ای خدای بی‌همتا
 ای خداوند آسمان و زمین
 ای خداوند دره و دریا
 می‌خورد به چشم تو
 هرچه، هر که، هر کجاست
 آفریدگار آن
 مهربان خدای ماست»
 (رحمان‌دوست، ۱۳۷۶: ۲۸).

ابراهیمی با استفاده از مضمون آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ اوست آن که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و آنگاه بر عرش استیلا یافت. آنچه در زمین در آید، آنچه از آن بر آید، آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود، [همه را] می‌داند؛ و هر کجا باشید، او با شماست و خدا به هر چه می‌کنید، بیناست ﴿(الحدید/۴)﴾ و استفاده از توصیف طبیعت که مظاهر خدا در آن پیداست، در پی پاسخگویی به این پرسش است و به کودک می‌آموزد که خداوند در همه جا حضور دارد. در واقع، «هوشمند معنوی، جهان و تمام زوایای آن را تهی و خالی از حضور قیومی خداوند نمی‌داند. او چون باطن هستی را می‌طلبد، چیزی جز حق اول نمی‌بیند. وی خدا را قبل از رؤیت هر چیزی درک می‌کند» (مهرابی، ۱۳۹۲: ۲۰):

«او را بین در ابر و باران
 او را بین با چشم‌هایت
 او را بین در دشت و در کوه
 در جنگل سرسبز و انبوه»
 (ابراهیمی، ۱۳۸۲: او).

به قول محمود کیانوش، با تأثیرپذیری از آیه‌هایی از قبیل آیات زیر بهترین راه شناخت خداوند تأمل در پدیده‌های هستی می‌داند، به این دلیل که تمام پدیده‌ها آینه‌هایی هستند که نشان از وجود خداوندی قادر و توانا را دارند: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ * يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ * وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ * وَمَا ذَرَأْنَا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ: اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد که [آب] آشامیدنی شما از آن است، و رویدنی [هایی] که [ریشه‌های خود را] در آن می‌چرانید [نیز] از آن است. با آن، کشت، زیتون، درختان خرما، انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] برای شما می‌رویانند. قطعاً در این‌ها برای مردمی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌ای است؛ و شب و روز و نیز خورشید و ماه را برای شما رام گردانید و ستارگان به فرمان او مسخّر شده‌اند. مسلماً در این [امور] برای مردمی که تعقل می‌کنند، نشانه‌هاست. همچنین، آنچه را در زمین به رنگ‌های گوناگون برای شما پدید آورد [و مسخّر شما ساخت]. بی‌تردید در این [امور]، برای مردمی که پند می‌گیرند، نشانه‌ای است ﴿(النحل/۱۰-۱۳).

«سعدی شیرین سخن، گفت به فصل بهار:

برگ درختان سبز، با خط رخشان سبز

هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار

معرفت کردگار، دیدن این عالم است

زنده بیدار باش، چشم خریدار باش

خوب جهان را ببین، هرچه ببینی کم است

بر ورق سبز برگ، خط خدا را بخوان

زمزمه آفتاب، نغمه شیرین آب

نثر دل‌انگیز خاک، شعر هوا را بخوان

برگ درختان سبز، در نظر هوشیار

آینه رازهاست، جلوه روی خداست
هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار»
(کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

پرسش دیگری که همواره ذهن کودک را در جایگاه هوش معنوی به چالش می‌کشد، سرنوشت انسان بعد از مرگ است. شاعران شعر کودک با استفاده از آیه‌هایی از قبیل ﴿فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده‌کننده مردگان است و اوست که بر هر چیزی تواناست ﴿الرّوم/۵۰﴾، در پی پاسخگویی به این پرسش و تأمین سلامت روانی کودک هستند. رحمان‌دوست با بهره‌گیری از آیه فوق و تمثیل سرسبز شدن درختان به هنگام بهار، سعی کرده‌است چگونگی معاد و زنده‌شده مردگان را برای کودکان ملموس سازد:

«چون بهار آید از ره دوباره
برگ‌ها زنده و تازه گردد
بر درختی که پاییز مرده
باز بلبل خوش آوازه گردد
ما همچون درختیم و برگیم
زندگی مان بهاری سلامت
فصل پاییز ما مردن ماست
تا بیاید بهار قیامت» (رحمان‌دوست، ۱۳۷۶: ۵۰).

در شعر زیر از ابراهیمی، تغییر فصل‌ها و رویش دوباره نباتات، به عنوان تصویری برای القای تصویری از معاد به کار رفته است:

«باز باغ سیب خرم می‌شود
ابرهای سرد کم می‌روند
هر طرف باز آفتابی می‌شود
آسمان هم باز آبی می‌شود

می‌شود تکرار باز این فصل‌ها هر کدامش، درسی از سوی خداست
 باغ را در فصل‌ها اندیشه کن در درخت سیب هم بوی خداست»
 (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۲۲).

علت استفاده از مضامین طبیعت برای پاسخگویی به پرسش‌های هستی‌شناسانه کودک، رابطه عاطفی کودک و طبیعت است. کودک هر چه خردسال‌تر باشد، انتزاع در زندگی او کمتر جای دارد و فقط می‌تواند آنچه را که با حواس پنجگانه خود حس می‌کند، درک نماید. بنابراین، برای القای مفاهیم انتزاعی و معنوی از دنیای پیرامون کودک (= طبیعت) گرفته می‌شود (ر.ک؛ محمدیگی، ۱۳۸۹: ۸۶).

۲-۳) کلی‌نگری (رؤیت وحدت در عین کثرت)

کلی‌نگری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هوش معنوی است که به افراد توانایی دیدن مسائل و موضوعات به صورت کامل و از تمام ابعاد و زوایا، همراه با درک روابط میان اجزای آن‌ها را می‌دهد. توانایی دیدن الگوهای بزرگتر با روابط و ارتباطات موجود بین اجزای کل است که طی آن، افراد کل‌نگر توانایی دیدن مشکلات از زوایای گوناگون را پیدا می‌کنند و ارتباط بین عوامل پیرامونی هر چیز را هنگام بررسی آن می‌بینند (ر.ک؛ قنبری و کریمی، ۱۳۹۵: ۱۰۶). در قرآن کریم، همواره بر کلی‌نگری و وحدت در عین کثرت تأکید شده است؛ مثل آیه‌های شریفه ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ بگو: ای مردم! من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم ﴿(الأعراف/ ۱۵۸)﴾ و ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده شوید ﴿(آل عمران/ ۱۰۳)﴾ که نشانگر اهمیت کلی‌نگری است. هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر می‌رود که این امر باعث می‌شود فرد با نگرش فراگیر به محیط پیرامونی خود بنگرد و با گذر از «من شخصی» به «من نوعی» روی آورده است و به مشاهده وحدت در ورای کثرت ظاهری پردازد. «رؤیت کثرت برای همه (عامی و عالی) میسر است؛ چرا که صاحب حس و خیال هستند، اما دریافت وحدت از کثرت، مختص هوشمند معنوی است» (مهرابی، ۱۳۹۲: ۲۰). در شعر کودک برای

پرورش روحیه انسان‌دوستی و تقویت مفهوم محبت، با گذر از «من شخصی»، از تجربه‌ای متعالی سخن به میان می‌آید. بنابراین، با «یگانه» خواندن همه انسان‌ها، کودک به نوع دوستی تشویق می‌شود:

«دنیای ما دریاست

دریا پر از ماهیست

دریای بی‌ماهی

یک ذره زیبا نیست

هر ماهی دریا

رنگی به خود دارد

بعضی سیاه و سرخ

بعضی سفید و زرد

این ماهیان با هم

یک‌روی و یک‌رنگند

یگانه با کینه

یگانه با جنگند» (شعبانی، ۱۳۷۸: ۱۶).

کلی‌نگری دید کودک را نسبت به اطرافیان تغییر می‌دهد. در این صورت، کینه و دشمنی جای خود را به دوستی و شادمانی می‌دهد:

«کتاب شعر کودک

کتاب من بود

دیدم و چون کودک‌کان

خنده زدم زود

خنده شادی شکفت

بر لب کودک

شریک خنده‌ام شد

آن گل کوچک

تا گل لب‌های او

به خنده وا شد

کتاب شعر من هم

کتاب ما شد» (شعبانی، ۱۳۷۵: ۴۰).

در بُعد فرازمینی نیز که شباهت فراوانی به اندیشه وحدت وجودی ابن عربی دارد، باعث می‌شود کودک در همه هستی نشانی از تجلی خداوند را دریابد و با وجود پراکندگی ظاهری، نوعی وحدت را در موجودات درک کند. در قرآن کریم، آیه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ خدا نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می‌شود. نزدیک است که روغنش - هرچند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روشنی است. خدا هر که را بخواهد، با نور خویش هدایت می‌کند و این مثل‌ها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست ﴿النور/۳۵﴾ اشاره به وحدت وجود دارد:

«هر لحظه‌ی این زندگانی

گر خوب یا بد، باز زیباست

زیرا که بویی از خداوند

در هر چه می‌بینم، پیدا است» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۳۰).

۳-۳) توانایی تغییر در نگرش

هوش معنوی عاملی است تا انسان مُدرک، از ظواهر پدیده‌ها گذشته و با اتصال وجودی، حقیقت اشیاء را دریافت نماید (ر.ک؛ مهرابی، ۱۳۹۲: ۲۳). کشف حقیقت وجودی اشیاء سبب می‌گردد که نگرش فرد به محیط، متفاوت‌تر از درک ظاهری باشد و در ماورای آنچه می‌بیند، به هدف غایی آفرینش پی ببرد. با درک اینکه خداوند بی‌هوده موجودات را نیافریده‌است و حکمتی در آن نهفته‌است، محیط پیرامونی کودک صبغه متعالی به خود می‌گیرد. بنابراین، در شعر کودک زیبایی‌های جهان ذکر می‌شود و شاعر، کودکان را به تغییر نگرش و تأمل در مظاهر زیبای جهان دعوت می‌کند که می‌توان دلایل مختلفی را برای آن برشمرد: نخست اینکه سرشت پاک کودک ایجاب‌کننده توصیف زیبایی‌ها برای آن‌هاست و توصیف زشتی‌های جهان تأثیر منفی در ذهن و روان کودک می‌گذارد. دوم اینکه وصف زیبایی‌ها کودک را به سوی زیبااندیشی و زیبانگری سوق می‌دهد و زندگی را برای کودکان شیرین‌تر می‌کند. در شعر زیر، شاعر با الهام از آیه‌های ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلاَلَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ﴾ همان کسی که هر چیزی را که آفریده، نیکو آفریده‌است و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود ﴿(السجده/۷-۸)، کودکان را به تأمل در زیبایی‌های جهان و تلاش برای یافتن راه حل‌های مناسب دعوت کرده‌است:

«چشمان خود را بعد از این دیگر

یک‌طور دیگر بر جهان واکن

بهرتر بین و خوب‌تر بشنو

خود را در آب و خاک پیدا کن» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۹).

تأمل در مظاهر هستی و تغییر نگرش به محیط پیرامونی سبب می‌شود که کودک طبیعت را در پرستش الهی ببیند؛ همان گونه که در قرآن کریم آمده‌است: ﴿يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در

زمین است، خدایی را که پادشاه پاک، ارجمند و فرزانه است، تسبیح می گویند ﴿
(الجمعه/۱):

«در کوه، رازهایی است
گرچه پر از سکوت است
هر سنگ در سجود است
هر خار در قنوت است
وقتی درخت در باد
هی می شود خم و راست
کاری که می کند او
مثل نماز زیاست» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۰).

تأمل در زیبایی‌های طبیعت به کودک این امکان را می‌دهد که بیش از پیش به لطف
فراگیر الهی آگاهی یابد و خدا را در همه مظاهر زندگی خود ببیند و او را تکیه‌گاه خود
قرار دهد:

«هرچه می بینی
خوب و دلربا
هرچه می بینی
درست و بجا
ای خدای گل
مهربان من
آفریننده
جان جان من
با نظم و ترتیب
کار لطف توست

شکرت ای خدا» (رحمان دوست، ۱۳۷۶: ۱۳).

۳-۴) تقدّس بخشیدن به امور

اغلب اموری که فرد انجام می‌دهد، علاوه بر یک هدف اختصاصی، یک هدف کلی و مقدّس هم دارد. هنگامی که عمل با هدفی مقدّس صورت می‌پذیرد، کیفیتی متفاوت می‌یابد (ر.ک؛ رجایی، ۱۳۸۹: ۳۵). هوش معنوی قادر است که بر نگرش و احساس کودک نسبت به امور و پدیده‌ها صبغه تقدّس ببخشد و او را با تجربه عناصر مقدّس، به دریافت پیام‌های معنوی از پدیده‌ها سوق دهد. شاعر با آگاهی به اینکه کودک با طبیعت ارتباط عاطفی دارد، سعی می‌کند در نگرش به طبیعت، به آن تقدّس بخشد. از همین رو، ابراهیمی، با الهام از آیه شریفه ﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُبْرِئُ سَحَابًا فَأَسْقِنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ و خدا همان است که بادهای را روانه می‌کند. پس [بادهای] ابری را برمی‌انگیزند و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده رانندیم، و آن زمین را بدان [وسیله]، پس از مرگش زندگی بخشیدیم. رستاخیز [نیز] چنین است ﴿(فاطر/۹) به دگرگونی طبیعت در فصول مختلف، صبغه تقدّس بخشیده‌است و با توجه به آموزه‌های اسلامی، این دگرگونی را با قیامت و معاد پیوند داده‌است:

«گنجشک‌ها بر شاخه رویدند

یک معجزه است این، ساده و زیبا

خورشید لبخندی بر آن‌ها زد

این هم دلیل روشنی بر ما

ابر آمد و خورشید را پوشاند

گنجشک‌ها از شاخه‌ها رفتند

یک معجزه انگار پیدا شد

خورشید و گنجشکان کجا رفتند؟

زد رعد و برقی آسمان ناگاه

در شهر، باران و تگرگ آمد

باد آمد و طوفان و غوغا شد

ناگاه گویی وقت مرگ آمد

بعد از زمانی ابرها رفتند
توفان وحشتناک هم خوابید
در آسمان خورشید پیدا شد
با مهربانی باز هم تابید
هر یک از این‌ها معجزه است، آری
هر یک از آن‌ها مثل یک پند است
خورشید و باران و تگرگ و باد
هر یک نشانی از خداوند است» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۰).

این گونه نگرش به امور سبب می‌شود که کودک در همه موجودات و ذرات این نظام احسن، جلوه جمال خداوند را ببیند و جهان را از هر گونه شرّ و ناپاکی به دور داند:

«خدایا! خدایا! تو خوبی، تو خوب
خدایا! جهان را تو خوب آفریدی
بدی نیست در نفس هستی خدایا
زمین و زمان را تو خوب آفریدی» (کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

۵-۳) تسکین هیجان‌ات و خودکنترلی

خودکنترلی، توانایی پیروی از درخواست‌های معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن یک خواسته در چارچوب پذیرفته‌شده اجتماعی بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر است (ر.ک؛ دريساوی و فقیه‌هی، ۱۳۹۲: ۷۸). از مهم‌ترین کارکردهای هوش معنوی، آرامش‌بخشی و تسکین هیجان‌ات کودک است. یاد خدا و اعتقاد به نیروی ماورای نیروی بشری که همواره و در همه حال نگاه‌دارنده بندگان خود است، می‌تواند انسان را در هر شرایطی امیدوار کند و اضطراب و استرس او را از بین ببرد؛ همان گونه که در قرآن کریم آمده است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام

می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد ﴿الرعد/۲۸﴾. با توجه به این آموزه‌های اسلامی، شاعران شعر کودک در تلاش هستند که هیجان‌ات کودکان را از طریق اشاره به معنویت آرامش بخشند. در واقع، اغلب این گونه اشعار، حاصل تأمل شاعر در قرآن کریم است که در شکلی نو و به صورت شعر کودکان آشکار می‌شود:

از آسمان دیشب هر لحظه غم می‌ریخت
هر غم که می‌آمد، توی دلم می‌ریخت...
هر چیز در چشمم، بد بود و غمگین بود،
دور و برَم هر چیز، غمبار و سنگین بود...
یاد تو افتادم، قلبم کبوتر شد

آرام شدم دردم، روحم سبک‌تر شد» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۵).

«می‌توان شعر سرود

و خدا را یاد کرد

با گل یاد خدا

قلب‌ها را شاد کرد» (همان، ۱۳۸۸: ۷).

«در باغ زیبای عبادت

پرواز کردم چون پرنده

لبریز شد قلبم ز شادی

شد روح من خوشحال و زنده» (همان، ۱۳۷۷: ۱۸).

هوش معنوی باعث افزایش قدرت انعطاف‌پذیری انسان می‌شود، به طوری که در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی، بردباری و صبوری بیشتری خواهند داشت (ر.ک؛ فرامرزی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹). کودک به دلیل نداشتن استقلال، همواره نیازمند پناه‌دهنده‌ای است که در همه امور پشتیبان او باشد و او را در مسیر آرامش قرار دهد. در بُعد زمینی، پدر و مادر تکیه‌گاه کودک هستند و در بُعد معنوی، اعتماد به خداوندی که

همواره و در همه جا پشتیبان بندگان است، می‌تواند کودک را از نظر روانی تحت تأثیر قرار دهد و به او آرامش دهد. کودک «به طور فطری و غریزی حس می‌کند که تنها دستاویزش خداوند است و فقط با توسل به خداست که می‌تواند برای وجود خود معنایی درخور بیابد» (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱). بنابراین، شاعران برای تلطیف روحیه و آرام‌بخشی به کودکان، با استفاده از مضمون آیه ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ اندوه مدار که خدا با ماست ﴿التوبه/۴۰﴾ یادآور می‌شوند که خداوند در هر زمان و مکانی نگاه‌دارنده بندگان است:

«با آنکه تاریک است شب

اما نترس از دیو گرگ

زیرا که می‌پاید تو را

هر شب خداوند بزرگ» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۴).

«اگر تنها تر از آن تک درختی

که رسته در کویر خشک و بی‌آب

اگر از وحشت و تنهایی و درد

نمی‌آید به چشم خسته‌ات خواب

اگر در این جهان پرهیا هو

تو را حتی به سر، یک سایبان نیست

به هر خاری میند امید؛ زیرا

پناهی جز خدای مهربان نیست» (رحمان دوست، ۱۳۷۶: ۴۲).

۶۳) آراستگی به فضایل اخلاقی

فضایل اخلاقی مایه نجات و رستگاری انسان و رساننده او به سعادت جاوید است. از این رو، تخلیه و پاکسازی از رذایل و تحلیه و آراستن نفس به فضایل، از مهم‌ترین واجبات است که دست یافتن به زندگانی حقیقی بدون این دو سعی و کوشش محال است. پس واجب است که در اکتساب فضایل اخلاقی که حد وسط و اعتدال در خوی‌ها

و صفات است و از جانب شریعت (مقدس اسلام) به ما رسیده است، کوشا بود (ر.ک؛ نراقی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۱-۴۲). آراستگی به فضایل اخلاقی، انسان را به سوی رشد و کمال هدایت می‌کند (ر.ک؛ داوودی، ۱۳۸۸: ۲۶). هوش معنوی از مهم‌ترین علل آراستگی به فضایل اخلاقی است که بخش عمده آن در دوران کودکی شکل می‌گیرد و نهادینه می‌شود. فضایل اخلاقی به عنوان ثمره هوش معنوی، در شعر کودک بازتاب دارد. در واقع، «هدف متعالی ادبیات کودک، سازندگی، تربیت حس انسان‌دوستی، برابری و برادری، آزادی و عدالت میان انسان‌ها، نژادها، زنگ‌ها، زبان‌ها، جنس و فرهنگ‌های گوناگون است» (میر کاظمی، ۱۳۵۵: ۶۳).

حمد و سپاس خدا از فضایل اخلاقی است که در دوران کودکی نهادینه می‌شود. شاعران شعر کودک، با بهره‌گیری از آیه‌هایی همچون ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَئِنَّ الْمَلَكُ وَاللَّيْلُ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾ و ﴿الرَّحْمَنُ / ۶﴾، حمد و سپاس خدا را با طبیعت پیوند می‌دهند تا میزان تأثیرگذاری آن بر کودکان بیشتر شود:

«بر همه، کوه و دشت

هر گیاه

گوشه‌ای

غنچه لب را گشود

بی‌زبان

بی‌دهان

خالق خود را ستود» (رحمان دوست، ۱۳۷۶: ۵).

«من یک سبد برداشتم

پر کردم از میوه‌ها

گفتم خدایا باز هم
من می‌کنم شکر تو را» (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰).

«با چشم و گوش

با دست و پا

در همه جا

شکر می‌کنم، شکر خدا» (شعبانی، ۱۳۹۱: ۹).

دعا از دیگر فضایل اخلاقی است که در دوران کودکی نهادینه می‌شود. کودک از حدود هفت‌سالگی با خدا ارتباط عاطفی برقرار می‌کند و در دعای خود، درخواست‌های مادی، از قبیل خوردنی‌ها، اسباب‌بازی‌ها، لباس و... دارد. به این دلیل که در این سن، کودک در مرحله عملیات عینی قرار دارد و به واقعیت فیزیکی بی‌واسطه وابسته است و نمی‌تواند از زمان حال تجاوز کند. در طول این مرحله، کودک هنوز در تجسم موقعیت‌های دور، آینده یا فرضی مشکل دارد (ر.ک؛ وندر زندن، ۱۳۸۳: ۱۲۶). بنابراین، دعای آن‌ها به زمان حال و مادیات محدود می‌شود. به تدریج با افزایش سن کودک، توقع او هم از خدا زیادتر می‌شود و خواسته‌هایش از جنبه مادی به سمت معنویت سوق داده می‌شود.

در شعر کودک، دعا کلام عادی را به کلامی عاطفه‌محور تبدیل می‌کند (ر.ک؛ سلاجقه، ۱۳۸۷: ۳۱۰). بر همین اساس، در دعای کودکان، عاطفه و مادی‌گرایی در کنار هم قرار دارند. ابراهیمی با استفاده از واژه‌های «پدر»، «مادر» و نیز با به کار بردن وزن ملایم، کوشیده است که شعر را عاطفی جلوه دهد و از این طریق، درصدد تبیین نقش دعا در زندگی کودک برآمده است:

«سبز می‌شد با پدر باغ دعا

نرم می‌خواند از کتابی آشنا

با فطیر تازه مادر می‌رسید

دست‌هایش داشت بوی ربّنا» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۶).

در این شعر، با تأثیرپذیری از آیه شریفه ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...﴾ و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم ﴿(غافر/ ۶۰) به تبیین برآیند دعا پرداخته شده است. بر پایه آیه فوق، خواندن خداوند استجابت را به همراه دارد. از دیدگاه کودک نیز دعا و خواندن خداوند تأثیر آنی دارد، به طوری که باعث حل مشکلات و گشایش رزق و روزی می‌شود، همان‌گونه که «فطیر تازه» نتیجه دعای مادر است. علاوه بر این، ابراهیمی دعا را به باغی تشبیه کرده که موجب گشایش خاطر پدر شده است. این شعر، علاوه بر آیه فوق، به واژه دعایی «ربّنا» اشاره دارد که شصت‌وهفت بار در قرآن کریم به کار رفته است و مشهورترین آن، آیه شریفه ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی و احسان فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ مصون بدار ﴿(البقره/ ۲۰۱) است.

مهربانی از دیگر فضایل اخلاقی است که در شعر کودک با طبیعت پیوند دارد، به این دلیل که کودکان با طبیعت ارتباط عاطفی دارند:

«خورشید گرم و خوب است

خورشید مهربان است

زیرا که مثل مادر

در فکر دیگران است...»

من نیز مهربانم

زیرا که مثل مادر

در فکر دیگرانم

ای وای، ابر تیره

پوشاند روی او را

خورشید مهربان ماند

در پشت ابر تنها

ای ابر، مثل خورشید
 تو نیز مهربان باش
 خورشید را رها کن
 در فکر دیگران باش» (رحمان دوست، ۱۳۸۴: ۱).

محبت از دیگر فضایل اخلاقی است که به معنی دوست داشتن، میل و رغبت به چیزی است و در اصطلاح، عبارت است از میل طبع به شیئی که در آن ادراک لذت است (ر.ک؛ اکبرنژاد و رستمی، ۱۳۹۱: ۱۴).

بچه بودم که مادرم می گفت:
 پدرت آفتاب خانه ماست؛
 دل ما روشن از محبت او
 دل او خرم از ترانه ماست
 حرف مادر درست بود، ولی
 معنی حرف را نفهمیدم
 سالها رفت و من بزرگ شدم
 بر سر درس و مشق کوشیدم
 معنی حرف های سر بسته
 پیش من مثل روز روشن شد
 آفتاب پدر به من تابید
 حرف مادر ترانه من شد
 ای پدر! می ستایمت امروز
 چون که تو آفتاب جان منی
 راه آینده را تو می سازی
 همدم خوب و مهربان منی (کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

شعربالا، «با بار عاطفی مناسبی که القا می‌کند، پدر و نقش او را در خانواده روشن می‌سازد و همچنین، حس قدردانی را در کودک و نوجوان پرورش می‌دهد. واژه‌های محبت، مهربانی، روشنی و خورشید که سه بار تکرار شده‌است، صمیمیت و امید را مکرر می‌سازد. وزنی ملایم و عاطفه‌برانگیز و گیرا دارد» (ذیح‌نیا و بردخونی، ۱۳۹۴: ۲۳۹). در شعر کودک، محبت، اغلب با خانواده در ارتباط است:

«آورده‌ام بوسه‌ها را

در دست‌هایت بکارم

آورده‌ام تا بگویم

«مادر تو را دوست دارم» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۴).

۷-۳) همدلی

همدلی از بارزترین خصوصیات افرادی است که رفتار حمایتی از آن سر می‌زند و به معنای مشارکت در هیجان‌های دیگران و تجربه کردن احساسات، خواسته‌ها و اندیشه‌های افراد دیگر است. می‌توان گفت که همدلی مهارتی است که از طریق آن می‌توان شناخت بیشتری از دیگران پیدا کرد و از این طریق، به تفاهم بیشتری با آن‌ها رسید و دنیا را از دریچه چشم آنان نگریست (ر.ک؛ ستوده، ۱۳۸۵: ۱۰۶). از نظر اسلام، بخش مهمی از نیازهای اساسی انسان، نیازهای عاطفی است که مرتبط با رفتار حمایتی، یعنی همدلی است. حضرت علی^(ع) درباره همدلی و محبت به مردم از رسول خدا^(ص) نقل می‌کند که فرمود: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّجَبُّبُ إِلَى النَّاسِ: سرآغاز عقل و خردمندی، بعد از ایمان به خدا، اظهار محبت به مردم و دوستی با آنان است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۰: ۱۱). در شعر کودک، شاعر با گذر از «من شخصی» حس همدلی را در کودکان تقویت می‌کند:

«غصه حسن در مصر

می‌کنند مرا غمگین

می کند مرا خوشحال
شادی تی آن در چین» (رحمان دوست، ۱۳۸۴: ۱۶).

«بخار گرم برمی خاست
چو مه از داخل فنجان
به یاد آمد آن روزی
که بودم توی کوهستان
مه از بالای کوهستان
به سوی درّه‌ها می رفت
میان درّه، یک چوپان،
کنار برّه‌ها می رفت
صدا می آمد از چوپان
که کوچک بود و قد کوتاه
صدایش بوی غم می داد
و بوی اشک و بوی آه
جلوتر رفتم و دیدم
به پایش چارقی دارد
و دیدم از نگاه او نگاه
بلور اشک می بارد
از او پرسیدم ای چوپان
چرا در چشم غم داری؟
تو در جایی به این خوبی
بگو دیگر چه کم داری؟
به من چوپان کوچک گفت:
یکی از برّه‌هایم نیست

غم گم کردن بره
 برای مثل من کم نیست
 بخار گرم برمی‌خاست
 چو مه از داخل فنجان
 چکید اشک از لب فنجان
 به یاد اشک آن چوپان» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۲۲).

۸-۳) خودآگاهی (Self Awareness)

«خود» به منزله هسته مرکزی نظام روانی و محور شخصیت انسان است که مظهر وحدت، کلیت، نظم و تعادل در شناخت، هیجان و رفتار است و موجب انسجام، یکپارچگی، سازگاری، حرمت خود، خودنظم‌بخشی، خودشکوفایی و کنش‌وری بهتر و سلامت روانی می‌شود (ر.ک؛ نورعلیزاده میانجی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶). خودآگاهی، یعنی آگاهی از افکار، اعتقادات، ارزش‌ها، انگیزه‌ها، هیجانات، ضعف و قوت خود و تمام ویژگی‌های درونی منحصر به فرد خود که دیدن تصویری دقیق از خود بدون توجه به قضاوت دیگران را برای هر شخص مهیا می‌کند و این در صورتی است که خود را همان‌گونه که هستیم، ببینیم، پذیریم و دوست بداریم (ر.ک؛ رجایی، ۱۳۸۹: ۳۵). بر پایه آیاتی همچون ﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾؛ بلکه انسان خود بر نفس خویش بیناست ﴿(القیامة/ ۱۴) و حدیث «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»: هر کس خود را شناخت خدای خود را شناخته است» از حضرت علی^(ع) درباره خودآگاهی، همواره بر اهمیت خودشناسی تأکید شده است، ولی به دلیل اینکه کودک، هنوز به مرحله‌ای از رشد نرسیده است که بتواند به خودآگاهی برسد، در شعر کودک کمتر به آن پرداخته می‌شود. محمود کیانوش کودکان را به خودآگاهی از طریق خواندن کتاب دعوت کرده است:

«توانی شناخت مردم را
 تا که خود را نخست شناسی

تا نخوانی کتاب‌های درست

خویشتن را درست شناسی» (کیانوش، ۱۳۹۳: ۲۶).

مهم‌ترین خودآگاهی آن است که انسان بداند که به سبب اندیشه‌ای که خداوند به او بخشیده است، از سایر حیوانات ممتاز گشته، اشرف مخلوقات نام گرفته است. بنابراین، آگاهی به خدا مستلزم آگاهی بیشتر از خود است؛ یعنی انسان هرچه بیشتر در ذکر فرو رود و توجهش به او بیشتر شود، خود را بهتر می‌شناسد و به مراتب عالی خودآگاهی می‌رسد (ر.ک؛ نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۱: ۱۵):

«صاحب اندیشه‌ام، یعنی

پاسدار نام انسانم

با همین اندیشه تنها

بهترین مخلوق یزدانم» (کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۶۷)

نتیجه‌گیری

اگرچه هوش معنوی به عنوان بُعد تازه‌ای از هوش انسان در مباحث روان‌شناختی مطالعه شده است، متون عرفانی و ادبی فارسی تحت تأثیر آموزه‌های قرآن کریم پُر از مؤلفه‌های هوش معنوی است که اغلب با عنوان فضایل اخلاقی و مفاهیم دینی به کار رفته‌اند. ادبیات کودک که نقش مؤثری در تعلیم و تربیت کودکان دارد، بخشی از این مفاهیم را به کودکان انتقال می‌دهد. کاربرد مؤلفه‌های هوش معنوی در شعر کودک باعث می‌شود که مفاهیم دینی در درون کودک نهادینه گردد و کودک در برابر رویدادها بینش عمیق یابد و با دریافت پاسخ پرسش‌های هستی‌شناسانه، به خدا و حقیقت هستی بیشتر پی ببرد. این شناخت سبب می‌شود کودک به رابطه‌ای فراتر از روابط فیزیکی و شناختی خود با محیط پیرامون دست یابد و جهان را به عنوان مجموعه‌ای کلی و به هم پیوسته بنگرد که در رأس آن، نیرویی ماورای نیروی بشری وجود دارد. شاعران با استفاده از این مؤلفه‌ها، کودک را در برابر مشکلات و سختی‌ها به صبر، بردباری و افزایش

قدرت انعطاف‌پذیری دعوت می‌کنند و با حل کردن مسائل پیچیده ذهنی، او را به سعادت جاوید رهنمون می‌سازند و درصددند که فضایل اخلاقی را در درون کودک نهادینه سازند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۷۴). *بوی نان تازه*. چ ۱. تهران: انتشارات حوزه هنری.
- _____ . (۱۳۷۵). *خدا چه مهربان است*. چ ۳. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ . (۱۳۷۷). *شکوفه‌های شعر*. چ ۱. تهران: کتاب‌های شکوفه.
- _____ . (۱۳۸۱). *وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند*. چ ۱. تهران: سوره مهر.
- _____ . (۱۳۸۲). *سبزپوش مهربان*. چ ۱. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ . (۱۳۸۶). *رازهایی در باد*. چ ۱. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ . (۱۳۸۸). *نصه‌ها رو ساده کن*. چ ۱. تهران: انتشارات مدرسه.
- _____ . (۱۳۹۰). *قالی رنگین کمان*. چ ۶. تهران: انتشارات مدرسه.
- ابن بابویه قمی، محمدبن علی. (۱۳۹۰). *الخصال*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اکبرنژاد، مهدی و حسین رستمی. (۱۳۹۱). «چیستی محبت متقابل خداوند و انسان». *فصلنامه اخلاق*. س ۲. ش ۶. صص ۳۸-۱۱.
- خزایی، حسین. (۱۳۸۹). «هوش معنوی و بهداشت روانی». *پژوهش‌های علم و دین*. س ۱. ش ۱. صص ۵۶-۳۱.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۸). *اخلاق اسلامی*. چ ۱۶. قم: دفتر نشر معارف.
- دریساوی، سمیه و علی نقی فقیهی. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل ضعف خودکنترلی از منظر قرآن کریم». *نشریه معرفت اسلامی*. س ۴. ش ۱. صص ۷۵-۹۲.

ذبیح‌نیا عمران، آسیه و حسین بردخونی. (۱۳۹۴). «بررسی، نقد و سیر شعر معاصر کودک و نوجوان در ایران». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*.
س ۸، ش ۲۸. صص ۲۲۶-۲۴۶.

رجایی، علیرضا. (۱۳۸۹). «هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها». *پژوهش‌نامه تربیتی*. س ۷،
ش ۲۲. صص ۴۸-۲۱.

رحمان‌دوست، مصطفی. (۱۳۷۶). *چشمه نور*. چ ۴. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ . (۱۳۸۴). *پرنده گفت به به*. چ ۱. تهران: محراب قلم - کتاب‌های مهتاب.

زارع، حسین، احمد پدرم و الهه شیروانیان. (۱۳۹۱). «پیش‌بینی هوش معنوی دانشجویان از روی صفات شخصیتی آن‌ها». *تحقیقات علوم رفتاری*. د ۱۰، ش ۱. صص ۶۸-۵۹.

ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۵). *روانشناسی اجتماع*. چ ۱. تهران: انتشارات آوای نور.
سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). *از این باغ شرقی*. چ ۲. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

سهرابی، فرامرز و اسماعیل ناصری. (۱۳۹۱). *هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن*. چ ۱. تهران: انتشارات آوای نور.

شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۹۲). *شکوفه‌های برفی*. چ ۳. تهران: کتاب‌های شکوفه.
شعبانی، اسدالله. (۱۳۷۵). *پولک ماه*. چ ۱. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ . (۱۳۷۸). *پروانه و گل سر*. چ ۲. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ . (۱۳۹۱). *من یا عروسک من*. چ ۲. تهران: انتشارات مدرسه.

غباری بناب، باقر و دیگران. (۱۳۷۶). «هوش معنوی». *فصلنامه اندیشه نوین دینی*. س ۳،
ش ۱۰. صص ۱۴۷-۱۲۵.

فرامرزی، سالار، رضا همایی و محمد سلطان حسینی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان». *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*. س ۳. ش ۵. صص ۲۳-۷.

قنبری، سیروس و ایمان کریمی. (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج‌البلاغه». *فصلنامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه*. س ۴. ش ۱۳. صص ۹۹-۱۱۹.

کیانوش، محمود. (۱۳۷۹). *شعر کودک در ایران*. چ ۳. تهران: انتشارات آگاه.

_____ . (۱۳۹۳). *بچه‌های جهان*. چ ۴. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

محمدیگی، ناهید. (۱۳۸۹). *رازکاوی ادبیات کودک و نوجوان (تحلیل محتوایی کودک، قصه و شعر از سال ۱۳۰۰-۱۳۸۵)*. چ ۱. تهران: انتشارات ترفند.

مهرابی، ابراهیم. (۱۳۹۲). «اقتراح (پیشنهادی) در متافیزیک هوش معنوی در اسلام». *دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی*. س ۱۰. ش ۲۹. صص ۵-۳۰.

میرکازمی، حسین. (۱۳۵۵). «به دنیای کودکان باید عنایت داشت و آن را باور کرد». *کیهان*. صص ۷-۱۰.

نراقی، مهدی. (۱۳۸۹). *جامع السعادات*. چ ۹. ترجمه جلال‌الدین مجتبی. تهران: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور.

نورعلیزاده میانجی، مسعود، ابوالقاسم بشیری و مسعود جان‌بزرگی. (۱۳۹۱). «رابطه خداآگاهی و خودآگاهی». *نشریه روان‌شناسی و دین*. س ۵. ش ۳. صص ۵-۲۴.

وندر زندن، جیمز دیلیو. (۱۳۸۳). *روانشناسی رشد (۲۰۱)*. چ ۶. ترجمه حمزه گنجی. تهران: انتشارات بعثت.

هدایتی، مهرانوش و مژگان زری‌باف. (۱۳۹۱). «پرورش هوش معنوی از طریق برنامه فلسفه برای کودکان». *نشریه تفکر و کودک*. س ۳. ش ۱. صص ۱۳۵-۱۶۶.

یدالله‌پور، محمدهادی و مهناز فاضلی کبریا. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی مفهوم هوش معنوب از منظر روان‌شناسی و اسلام». *نشریه اسلام و سلامت دانشگاه علوم پزشکی بابل*. ش ۱. صص ۴۸-۵۷.